

# سفر به ۷۰ میلیون سال قبل

است. این غار در سال ۱۳۶۸ کشف شد. اما به دلیل مشکلات موجود، عملیات اجرایی آن چون نورپردازی و کف‌سازی در سال ۸۰ آغاز شد. نگهبان غار می‌گوید: «همین تعویق زمانی باعث شد تا عده‌ای بیابند و برخی از قندیل‌های آهکی و زیبای غار را به تاراج ببرند. این قندیل‌ها را «استلاکتیت و استلاگمیت» می‌نامند.

## دریاچه‌ای در اعماق زمین

پس از ورود به غار، ۴۷ پله پایین می‌رویم تا به تالاری بزرگ برسیم. در ورودی باسیمان ولی به رنگ رسوبات «دولومیتی» پوشیده شده است. کمی که جلو می‌رویم بافت‌های کلسیتی، قندیل‌های مخروطی، بلورهای شیشه‌ای و توده‌های کلسیتی گل‌کمی رخ‌نمایی می‌کند.

وارد باغ کریستال‌ها شدیم. رسوبات «دولومیتی» به صورت لایه‌های سفیدرنگ دورادورمان را گرفته است. در زیرپایمان، دیوارها و سقف سالن، اسفنج‌های بلورین بی‌اندازه چشم‌افسایی می‌کنند. کریدورهای مختلف و راه‌های متنوع انسان را به هیجان درونی وا می‌دارد. اگر امکانات داشتیم، بی‌شک بیراهه‌ای را می‌آزمودیم. عرض دالان اصلی ۱۰ متر و ارتفاع سقف، بین ۱۰ تا ۴۰ متر متغیر است.

جاده اصلی اراک - دلیجان را به سوی فرعی آسفالت‌های که به تراق می‌رود، ترک کرده و به سوی کوه کم‌ارتفاعی که «کوه تخت» نام دارد، جاده‌ای را از زیر چرخ اتومبیل در می‌کنیم. دو سویمان پهنه دشت است. به همین دلیل کوه تخت از دور خودنمایی می‌کند. اتاقکی پای کوه است و نگهبان غار «چال‌نخجیر» با دیدن ما به استقبالمان می‌آید. در نرده‌ای، دهانه بزرگ غار را پوشانده

حدود ۱/۲ کیلومتر از عمق غار نورپردازی و از نورهای سبز و آبی استفاده شده است. دلیل استفاده از نورهای سرد جلوگیری از تخریب، انحلال و تغییر شکل کریستال‌ها و بلورها است. در میان راه اصلی، شاخه‌های فرعی فراوان وجود دارد که وسوسه‌انگیز در عین حال بی‌رحم می‌نماید. اغلب این شاخه‌ها که برخی درون خود لامپ‌هایی رنگی دارند، دارای دره‌هایی عمیق است. سراسر این دره‌ها پوشیده از بلورها و آویزه‌های کلسیت است. در نزدیکی کریدور اصلی نیز دره‌ای عمیق به چشم می‌خورد که توسط داربستی روبه پایین رفته است. درون این دره دریاچه‌ای زیبا با آب زلال وجود دارد. عمق این دریاچه از ۱۰ تا ۷۰ متر متفاوت است و کف آن به خوبی دیده می‌شود. قایقرانی درون این دریاچه امکان‌پذیر است. البته به غیر از فصلی که آب بالا آمده و قایق‌ها را درون خود می‌کشد.



### هواسازی طبیعی

در طول مسیر شگفتی‌های غار چنان است که حتی لحظه‌ای نمی‌توان دوربین را کنار گذاشت. حرکت کند عکاس همراهان، از سرعت‌مان می‌کاهد. برخی که لامپ‌های نورپردازی سوخته، تنها حسرت عکس نگرفته بردلمان می‌ماند. در حالی که حدود ۵۰۰ متر پیش‌رفته‌ایم، هوا کاملاً در حال تهویه است. تهویه طبیعی هوای این غار به گونه‌ای است که گویی سیستمی مدرن برای تهویه هوای آن تدارک دیده‌اند. نگهبان غار اطلاعاتی برای انتقال به بازدیدکنندگان ندارد. رسوبات کریستالی و اسفنج‌های بلورین را که از جنس دولومیت است را گل کلم می‌نامند. گل کلم‌هایی که در مرور زمان رشد می‌کنند، تقریباً هر سانتی مکعب از این رسوبات عمری ۶ هزار ساله دارد. متأسفانه نورپردازی غار ناقص بوده است. به گونه‌ای که اغلب لامپ‌ها سوخته و سیم‌کشی‌های آن در میان زیبایی‌های بی‌بدیل چال نخجیر منظره نامطلوبی را به نمایش گذاشته است.

### غاری که چراغ اضطراری ندارد

سفرمان از چال نخجیر نیمه تمام ماند. در میان غار ناگهان برق رفت و تاریکی محض، میهمان دیدارمان شد. در حالی که پیش‌تر شفافیت کریستال‌های گل کلمی نور را از میان خود عبور می‌دادند، حالا هیچ دیدنی دیده نمی‌شود. به کمک چراغ اضطراری نگهبان به سوی در ورودی می‌رویم. در حالی که تالار عروس، حوض آب کوثر و آبشار گلی را هنوز ندیده‌ایم. می‌گویید، خاطراتی که از سفر باقی می‌ماند همیشه نقطه آغاز و پایان آن است. گرچه در آغاز تنها چند لامپ سوخته و نمای سیم‌ها دلمان را آزد، اما رفتن برق در غاری که می‌تواند جلوه‌ای از زیبایی کشورمان را به جهانیان معرفی کند، امری عجیب است. نگهبان می‌گوید، برق غار، برق شهر است و از چراغ اضطراری خبری نیست.

